

روایت آیت‌الله بهجت از شیخ فضل‌الله نوری

۲۷ اردیبهشت ۱۳۹۳ ساعت ۲۲:۲۸

سید عبدالله بهبهانی در مجلسی رو کرد به آقا شیخ فضل‌الله نوری و گفت: «به یاری خدا ایران را بهشت می‌کنیم» شیخ پاسخ داد: اگر در دریا هم مخفی شوم. مرا خواهند کشت. تو را هم بین دو نماز می‌کشند».

مرحوم شیخ فضل‌الله نوری و آقا سید محمد کاظم رشتی تمام آنچه را که واقع شد پیش‌گویی کرده بودند زیرا می‌دانستند اگر درد دین از انگلستان پیدا شود و جریان مشروطه از طرف سفارت انگلیس تایید شود این مشروطه مشروعه نخواهد بود و برای دین نیست و بدرد مسلمانان نمی‌خورد. اتحاد مسلمانان مطلوب است. اما اتفاق بر حق، نه باطل، اتفاق مسلمانان بر مسلمات دین اسلام و قرآن، نه غیر آن.

وقتی شیخ فضل‌الله نوری فهمید که تایید مشروطه صحیح نیست، چون دید از طرف سفارت انگلستان تایید و پشتیبانی می‌شود. و کسان دیگر غیر از علما و متدینین و به تعبیر ایشان پاچه‌ور مالیده‌ها از مشروطه حمایت می‌کنند و دید که این دو طایفه روحانی و غیر روحانی در صف مشروطه حمایت می‌کنند.

و دید که این دو طایفه روحانی و غیر روحانی در صف مشروطه خواهی نمی‌شود. با هم جمع شوند و در یک صراط و در یک خط و در یک راه و به منظور یک هدف حرکت نمی‌کنند. از مشروطه خواهی دست کشید و فرمود: «مشروطه، باید مشروعه باشد» مشروطه خواهان با شایعه پراکنی وانمود کردند که ایشان موافق مشروطه است، ولی استبدادی‌ها با رشوه او را خریده‌اند.

چگونه ممکن و متصور است که انسان به خاطر رشوه حاضر شود به دار آویخته شود؟! سرانجام شیخ فضل‌الله نوری را با آن عظمتش در علم و عمل، به دار آویختند. و کشتند، زیرا می‌ترسیدند. قیام مشروطه خواهی را به عقب بیاندازد. و یا حداقل در دیگران شک و تردید ایجاد کند. مرحوم آقا سید عبدالله بهبهانی را هم در راس مشروطه خواهان قرار داشت بدتر از ایشان کشتند.

آری آنان نوکرهای مطیع می‌خواستند نه آقا بالا سر. زمانی که آقا سید عبدالله بهبهانی در مجلسی رو کرد به آقا شیخ فضل‌الله نوری و گفت: «به یاری خدا ایران را بهشت می‌کنیم» شیخ به او پاسخ داد: «شیرازه مملکت از دست رفته، چنین کاری امکان پذیر نیست» و در ادامه گفت: اگر در دریا هم مخفی شوم. مرا خواهند کشت. تو را هم بین دو نماز می‌کشند».

آری آنان نوکرهای مطیع می‌خواستند نه آقا بالا سر. زمانی که آقا سید عبدالله بهبهانی در مجلسی رو کرد به آقا شیخ فضل‌الله نوری و گفت: «به یاری خدا ایران را بهشت می‌کنیم» شیخ به او پاسخ داد: «شیرازه مملکت از دست رفته، چنین کاری امکان پذیر نیست» و در ادامه گفت: اگر در دریا هم مخفی شوم. مرا خواهند کشت. تو را هم بین دو نماز می‌کشند»

سرانجام شاید آقا عبدالله بهبهانی را فجیع‌تر از مرحوم نوری کشتند، با اینکه شخص اول مشروطه خواهان بود. با اینکه دید مرحوم نوری را کشتند. باز مشروطه و مشروطه خواهی دست برداشت.

مرحوم شیخ فضل‌الله نوری از مخالفین مشروطه بود از پیش خبر داشت کشف حجاب از لوازم مشروطه است.

آن مرحوم می‌دید که مقررات مشروطه به ظاهر اسلامی است. ولی از مصادر لایابالی و بلکه بی‌دینی سرچشمه می‌گیرد و تایید می‌شود؛ لذا به برخی از مشروطه خواهان گفته بود: «مرا می‌کشند، شما را هم می‌کشند» در نهایت نیز چنین شد.

در ماجرای مشروطه تلگرافی آمد. صورت تلگراف این بود: دفع نوری لازم است؛ زیرا مرحوم شیخ فضل‌الله می‌گفت: «مشروطه، مقدمه کشف حجاب است. انگور انداختیم شراب شد». همچنین از مرحوم سید یزدی پرسیدند: آیا شما فتوا داده‌اید که مشروطه حرام است؟ فرمود: «بله حرام است الی ابدالهر حرام است!» و مرحوم آخوند خراسانی که طرفدار مشروطیت بود، بعد از شهادت نوری گریه کرد.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۶۷۷۰/نوری-لالله-فض-شیخ-بهجت-الله-آیت-روایت/>